

رهیافتی مدیریتی به دانش اسلامی

محمد هادی یعقوب نژاد^۱

چکیده

دانش اسلامی که آمیزه‌ای از علوم و معارف اسلامی و نیز دانسته‌ها، استعدادها و تجربه‌های عالمان مسلمان است؛ ریشه در عقل و وحی دارد و بدین سبب ناظر بر شئون مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی انسان است و برای همین می‌تواند به عنوان روح علوم به دیگر دانش‌ها جهت دهد و آنها را علاوه بر شئون مادی در جنبه‌های معنوی انسانی نیز اثربخش سازد، سؤال اساسی این است که از زاویه نگاه مدیریتی چگونه می‌توان علوم اسلامی را مدیریت کرد و برای مدیریت آن چه راهکاری وجود دارد؟ پاسخ به همین پرسش، در این اثر، مورد نظر است. که این مقاله؛ با تبیین مفهوم علوم اسلامی و مدیریت دانش، تأثیر فن آوری در مدیریت دانش را بازگو نموده و نظام‌های دانش‌مدار را مهم‌ترین رهیافت مدیریتی در علوم اسلامی معرفی کرده است.

کلیدواژه: مدیریت علوم اسلامی، نظام‌های دانش‌مدار، اصطلاح‌نامه‌ها، مدیریت دانش.

پیش‌سخن

توانایی طراحی، سازماندهی و مدیریت مبتنی بر آن، یکی از قابلیت‌های انسانی است که همراه با فکر و اندیشه انسان، رو به رشد بوده است، به شکلی که انسان برای مدیریت هر نوع کار و محیطی، طرح ویژه‌ای آورده است. سؤال اساسی این است که برای مدیریت علم و دانش چه راهکاری وجود دارد و از زاویه نگاه مدیریتی چگونه می‌توان علوم- از جمله علوم اسلامی را- مدیریت کرد؟ توجه به علم از نگاه مدیریتی و ارائه رهیافتی متناسب در حوزه مدیریت علوم اسلامی، مقوله‌ای حائز اهمیت است. حقیقت آن است که علم و دانش، از جمله دانش‌های اسلامی به عنوان اصلی‌ترین محصول که به کمک اندیشه و تفکر انسان مسلمان تولد یافته، از قاعده نظم‌پذیری و سازمان‌دهی مستثنی نیست و می‌بایست برای مدیریت قاعده‌مند آن از روشی علمی بهره جست تا ضمن ایجاد نظم و سازماندهی، و تسلط نسبی بر معارف و محتوای اسلامی، زمینه ارائه آن به مخاطب در فرصت مناسب و با کیفیت مناسب را فراهم کرد و با گسترش آن در افق ملی و فراملی، افق‌های جدید را برای تولید و توسعه این علوم ایجاد نمود.

^۱. استادیار و معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. Islamicdoc@Gmail.com

محور اول: دانش اسلامی

گستره دانش

میلیون‌ها سال، انسان برای تکامل فرهنگ خود، تلاش کرده است، در این زمان طولانی، آدمی برتری عمده‌ای بر جانوران دیگر نداشت. فاصله بین انسان و حیوان هنگامی عمیق یافت که انسان توانست به کمک خط، آموخته‌های خود را برای نسل‌های بعد به جای گذارد. تا زمانی که خط وجود نداشت تاریخ هم نبود. (دامپی، ۱۳۷۱؛ مصباح، ۱۳۸۲؛ ۲۵ - ۲۶) با پیدایش خط، دانش مدون پدید آمد و هر نسلی که آمد و رفت بر انبوه این دانش افزود. انسان در طی قرون متمادی دانایی‌های خود را به صورت‌های گوناگونی ضبط کرده است. زمانی به شکل طومار، دوره‌ای به صورت کتاب و زمانی در فرم میکرو فیش و جز آن.

دانایی‌های انسان به هر شکل و در هر زمینه و موضوع و با هر مسئله‌ای که باشد از ساده‌ترین تا عمیق‌ترین پژوهش‌ها به هر زبان و هر خط که نوشته شود و در هر فرم و شکلی که ضبط گردد، دانش مدون به شمار می‌آید در این جا دانش به معنای وسیع و گسترده آن که همه دانسته‌ها و دانایی‌های انسان را در برگیرد مورد نظر ما نیست. بلکه فقط دانش‌های به معنای خاص که با قوانین شناخته شده سروکار دارند. آن هم در حوزه مخصوص به علوم اسلامی مورد بحث است. هر چند رهیافت مورد نظر مکانیسمی را در نظر گرفته که در صورت فراهم شدن زیرساخت‌ها در همه علوم قابل جریان خواهد بود. ابتدا لازم است به اهمیت دانش اسلامی اشاره شود و آن‌گاه مفهوم آن تعریف شود تا خواننده محترم، با منظور نویسنده از آن آگاه باشد.

اهمیت دانش اسلامی

همزاد با اندیشه انسان، «علم» همواره به معنای درک واقع و کشف حقایق به کار می‌رفت و ماهیت هر علم و محور تفاوت آن با سایر علوم بر اساس موضوع (مصباح، همان، ۷۷) آن دانسته می‌شد. اما از دوره رنسانس تاکنون، علم و به دنبال آن، شناخت وضعیت دیگری پیدا کرده به نحوی که امروزه نام «علم» با روش «تجربی» گره خورده است. به طوری که ملاک اصلی مرزبندی و دسته‌بندی علوم را در محور «روش = تجربه» تعریف می‌کنند (کاپلستون، ۱۳۸۰، ۳۲-۴۵). این نوع نگاه به علم نگاهی آسیب‌زاست که در تاریخ تفکر سابقه‌ای نداشته و شیوع آن - به خصوص در جامعه اسلامی ما - به بسیاری از معضلات در فرایند گسترش علم دامن زده است. آنچه به این معضل اندیشه‌ای بشر انجامید تحولات نابسامانی بود که در علم و دانش پس از رنسانس اتفاق افتاد.^۲ ضعف تفکر علمی در قرون وسطی^۳ و مشکلاتی که پس از آن از دکارت (۱۶۵۰ - ۱۵۹۶) تا کانت (۱۸۰۴ - ۱۷۲۸) در عرصه تفکر فلسفی درباره علم و معرفت پدید آمد به مرور، هم مسایل متعارف از حوزه علم و معرفت خارج شد و هم در حوزه مباحث نظری، تجربه تنها راه درک عالم خارج به حساب آمد، و تنها معرفت‌هایی را که به داوری تجربه تن دهد، علم دانستند و شناخت را به دو

^۲ دستاوردهای نامطلوب دوره رنسانس را بنگرید. آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۴۳.

^۳ (از ۵۲۹ م تا حدود ۱۰۰۰ سال)

دسته «علمی» و «غیر علمی» تفکیک نمودند (مصباح، همان، ۴۴-۳۶). در حالی که نه مقام داوری «تجربه» تعیین بخش علوم تجربی است و نه اساساً روش می تواند معیار صحیحی برای مرز بندی علوم باشد.^۴

راه خروج از این چالش بزرگ عبارت است از: اول؛ بازگشت به موضع نخست و اصل قرار دادن دسته بندی و طبقه بندی علوم بر اساس موضوع، و نه بر اساس روش. دوم؛ مشروط کردن روش شناسی هر علم بر درک صحیح از موضوع آن علم؛ سوم؛ بازگرداندن موضوعات هنجاری به آغوش علم و تعیین جایگاه معقول موضوعات نظری و عملی در قبال یکدیگر؛

و چهارم؛ توجه خاص به علوم انسانی و اسلامی به عنوان روح همه علوم که به آن ها جهت می دهد و کمک می کند که تمامی علوم در خدمت به انسان و در بُعد انسانی و معنوی او نیز مؤثر باشند. علمی که از جنبه کارکردی انسان را به یک اعتبار و به یک وجه خاص که با کل وجودش؛ و از سویی با خالق حقیقی او ارتباط دارد، و از سوی دیگر؛ به عنوان یک موجود اجتماعی که دارای تکالیف و وظایفی نسبت به خود، خلق و خالق می باشد مورد بررسی قرار می دهد. این علوم چون با کلیت انسان، اسلام، خدا و خلق سرو کار دارند، هر کدام با حیثیتی شاخه ای از علوم اسلامی را رقم می زنند.

چیستی دانش اسلامی

باید پذیرفت که تا کنون تعریف کاملی از علوم اسلامی ارایه نشده است. یعنی این علوم، به روش منطقی تعریف نشده است. هر تعریفی جنس و فصل دارد. وقتی جنس و فصل علوم اسلامی معلوم شد موضوع و مسایل آن نیز مشخص و دقیق خواهد شد. در آن صورت تعریف از علوم اسلامی کامل خواهد گردید.

هر علمی- از جمله علوم اسلامی- با گزاره هایی که دارد، درباره پدیده هایی که با حقیقت سر و کار دارند مطالعه می کند چه این که ورای تمامی پدیدارهایی که در عالم هست و علم آن را به ما نشان می دهد، حقایقی نیز وجود دارد، پس همه حقیقت این نیست که ما می بینیم، حقایقی هست که باید از آن سوال شود که چرا هست؟ چرا این طور است؟ انسان برای فهم عمیق تر هستی، باید پدیدار را تفسیر نماید. چون انسان فهم دارد^۵ او باید این فهم را به حد اعلی برساند. کار دین، ارتقای همین فهم است. قرآن همه چیز را از سطح پدیده ها به اصل و حقیقت آن ها بالا می برد، یعنی به علم الهی، که منبع همه علوم است و بدون آن، علم ناقص است.^۶

انسان، همان گونه که خودش را، عالم را، خدا را و همه چیز را تفسیر می کند، داده های علمی خود را نیز تفسیر خواهد کرد. داده های علمی هم قابل تفسیرهای مختلف است. از فیزیک؛ یک ماتریالیست، تفسیری دارد، حکیم الهی هم فیزیک بودنش را رد نمی کند اما می گوید تفسیرش این نیست که مادی باشد. وقتی می گوئیم علوم اسلامی، در واقع به دانش هایی اشاره می کنیم که

^۴ معیار وحدت و تمایز علوم را بنگرید --- معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، حسین سوزنجی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸، ص ۹۸-۱۱۲.

^۵ الرحمن، ۳.

^۶ رجوع کنید به ماده «علم» در قرآن مانند: احقاف، ۲۳ و ملک، ۲۶ و بقره، ۳۲ و حجر، ۲۴ و

جهت آن سیر از ظاهر به حقیقت است. انسان فقط این نیست که در روان شناسی درباره اش مطالعه می کنند، در عین حالی که روان شناسی دانش کارامدی است، ولی حقیقت انسان، در آن چیزی که روان شناسی معرفی می کند، نیست. اگر حقیقت روان انسان را که الهی است در نظر بگیریم^۷، در روان شناسی هم تحولی پیدا می شود.

نوع تصور از انسان، در علوم مؤثر است. اسلام نمی پذیرد که علوم را به سطح پدیدارها تقلیل داده و انسان را از میان بردارند. تمام هدف دین، تکریم انسان و تفسیر وجود اوست.^۸ اصولاً بدون دین انسان چگونه تصویری دارد؟ تصویری که بیشتر غربی ها و مردم امروز از انسان دارند، تصویر جسمی و محدود است. غربی ها می گویند یا باید سراغ رهبانیت برویم یا سراغ دنیا. ولی در شرق، این ها را همیشه لازم و ملزوم می دیدند. حکمای ما آنها را با هم ربط می دادند چون با هم تنافی ندارند. اصولاً سرآغاز پیدایش علوم در قرون جدید بر جدایی آنها از حکمت الهی استوار بوده است. حتی دانش مندان غربی که خود را الهی می دانستند، مبادی آنها صد در صد غیر الهی است. با این که مؤمن بودند ولی ایمان شان این جا حرف نمی زند. فلسفه اندیشمندی مثل دکارت از ایمانش بر نمی آید.

اساس دین علم است. عالم عبث نیست، پدید آمده از علم الهی است. همه هستی پدیدار علم الهی است. حکما این را اثبات کرده اند که وجود از علم جدانیست. چون؛ وجود اصل الهی دارد، علم هم اصل الهی دارد. با این دید، علم عمق پیدا می کند. و ارتقاء می یابد. پیامبر نیامد که چیزی را از هستی بکاهد یا بیافزاید. او آمده تا انسان را هدایت کند و به او دید دیگری بدهد. برای همین بود که تحولی در درون انسان ایجاد کرد، تحولی الهی که به انسان دید و آگاهی دیگری بخشید تا با آن بتواند طور دیگری تفسیر کند. دین عالی ترین نوع شعور است، شعوری صد در صد الهی است که پیامبر(ص) آورده است. وحی، تجلی و کمال این شعور الهی است. این شعور ما را هدایت می کند و حقیقتاً تحولی در آگاهی ما ایجاد می نماید که نمی توانیم از آن دست برداریم.

وحی، به عنوان علم، دانش و راه شناخت و به عنوان آگاهی مطلق است. همان طور که دین به عنوان دانش الهی، عالی ترین مرتبه دانشی است که می شناسیم.. (اعوانی، ۱۳۸۹، مصاحبه)^۹

درباره علوم علاوه بر مباحث مبنایی و پیش فرض های علم شناختی و دین شناختی، بحث های متعدد دیگری ایجاد شده است از قبیل: تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی؛ ماهیت علم اسلامی و رابطه آن با علم انسانی؛ امکان تحقق علم دینی و راهکارهای آن که تفصیل این بحث ها به جای خودش واگذار می شود. و ما به اشاره ای ضروری درباره علم اسلامی بسنده می کنیم.

مسئله ای که نگاه غربی و سکولاریستی پس از رنسانس به مقوله علم پدید آورد این بود که بین عقلانیت بشری و درک متعارف انسان ها از آموزه های وحیانی ناسازگاری بوجود آید. و به عنوان یک سوال اساسی این پرسش مطرح شد که آیا حقیقتاً بین این دو

اسراء، ۸۵؛ مریم، ۱۷؛ انبیاء، ۹۱؛ تحریم، ۱۲؛ حجر، ۲۹؛ ص، ۷۲.^۷

^۸ اسراء، ۷۰؛ حجات ۱۳.

^۹ درباره علوم اسلامی، از مصاحبه جناب آقای دکتر اعوانی با عنوان «ماهیت علوم انسانی در گفت و گو با دکتر اعوانی» ۱۴/۶/۱۳۸۹، با حذف و اضافاتی نیز استفاده شده است. اصل مصاحبه را بنگرید: ۱۲ فروردین ۱۳۹۲، Khamenei.ir.

مقوله، تنافی یا تضادی وجود دارد یا نه، بین این دو حوزه معرفتی، نه تنها تنافی نیست بلکه رابطه ای معقول برقرار است و میان دستاوردهای بشری و آموزه‌های وحیانی تعاملی سازنده و درست وجود دارد، و می توان از علمی سخن گفت که؛ با توجه عمیق به آموزه‌های وحیانی، عقلانیت بشری را در حدی متعالی و کارآمد نیز بپذیرد. و بحث از علم اسلامی و علم دینی در واقع بحث بر سر همین تعامل و سازواری انگاره‌های عقلانی بشری و درک متعارف از آموزه‌های وحیانی است که برای تحقق آن پیش فرض هایی نیز بیان کرده اند^۱ (سوزنجی، همان، ۱۹۵، ۲۲۵، ۲۷۷).

علم در فرهنگ اسلامی بار معنایی خاص و مولفه های متمایزی دارد مانند

۱- علم دارای مراتب و درجاتی است که قله آن علم الهی است که نظام تکوین محصول همان علم است (پارسانیا، ۱۳۸۳، ۱۴۹-
 (۱۵

۲- بهترین علم آن است که به شناخت انسان و اصلاح او بیانجامد و راه سعادت را فراروی انسان بگشاید. (آمدی، همان، ۲۳۲) و بدترین دانش آن است که به اصلاح انسان راهی نیابد و در دنیا متوقفش نماید و همین امر معیار مهمی برای خوبی و بدی علم شناخته می‌شود (همان، ۴۶) علم ارزشمند آن است که در انسان تأثیر بگذارد (همان، ۴۵) و اوج این تأثیرگذاری، خشیتی است که انسان دانشمند نسبت به خدا بدست می آورد و غیر عالم به این مقام نمی رسد (قرآن، فاطر، ۲۸) و این خشیت که برای عالم حاصل شد تمام وجود او را متحول ساخته و همه فضائل را برایش به ارمغان می آورد و او را ماندگار می کند (آمدی، همان، ۴۷)

۳- ارزش انسان ها بر حسب علم و عقل آنان اندازه گیری می شود (همان، ۴۲) علم امری مقدس، پایه فضیلت ها و ریشه همه خوبیهاست (همان، ۴۳) به همین سبب، احترام گذاشتن به عالم، یک اصل مسلم در فرهنگ اسلامی شمرده شده است (همان، ۴۷) که این احترام، در واقع تکریم فضیلت ها و درنهایت، تقدیس خداوند است (همان).

۴- درنگرش دینی، علم از سویی همنشین ایمان است که از هم جدایی ندارند (همان، ۴۷) و از سویی با عقل هم دم اند که علم چراغ عقل است (همان، ۴۳) و هم عقل به تأیید علم اقدام می کند و مرکب علم می شود (همان، ۳۵) و بدین ترتیب عقل و علم همراه هم و با هم متحدند (همان، ۴۷) عقل در هندسه معرفت دینی جای خود را می یابد و دینداری هرکس به اندازه عقل او خواهد بود (همان، ۵۰). بنابراین علم و عقل و دین و ایمان همدوش هم، انسان را به سوی سعادت رهنمون خواهند شد (همان، ۴۶)

۵- در تفکر اسلامی، هیچگاه تعارضی میان علم و دین، به نحوی که رشد یکی، با انحطاط دیگری همراه باشد مشاهده نشده است جز در دوره معاصر، که برخی از تحصیل کردگان غربی سعی کردند، تعارض علم و ایمان در مسیحیت را (مسیحیتی که در آن، دوره ایمان گرایی، دوره انحطاط علم بود و دوره علم گرایی، دوره انحطاط ایمان) در مورد تمامی ادیان، از جمله اسلام ناب وانمود کنند.

۶- باهمه آنچه گفتیم درنگرش دینی، علمی حقیقتاً علم شمرده می شود که بتواند نگرش توحیدی را دراندیشه، خلق و خوی و رفتار انسان متجلی سازد و در غیر این صورت فضل است نه علم. (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۳۲) بسیاری از علوم می توانند علم باشند نه فضل،

^۱ فرهنگستان علوم اسلامی؛ و نویسنده کتاب اسلام و تجدد بر این دیدگاه پای می فشارند. ر.ک: مبانی نظری نهضت، سید محمد مهدی میرباقری، فجر ولایت، قم، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵؛ اسلام و تجدد، مهدی نصیری، کتاب صبح، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۲ و ۴۵ - ۴۷ و ۱۰۶ تا ۱۲۰.

مثلا علم نجوم وطب و مانند آن، در صورتی که آنها را بعنوان بحث از آیات و نشانه های خداوند تولید و یا مطالعه کنیم، یا علم تاریخ در صورتی که با نظر عبرت بررسی و مطالعه شود، داخل در "آیه محکم" قرار می گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۷، ج ۸، ۴۳۴). و علوم جدید می توانند با چنین نگاهی متحول شوند. مثلا زیست شناسی و فیزیک که تحولات زیستی و کیهانی را بحث می کنند، اگر با توجه به خالق این تحولات همراه شوند مصداق "آیه محکمه" خواهند بود. علم اقتصاد به دغدغه این که عدالت را سرلوحه قرار دهد و معیشت عادلانه خداپسندانه را در زندگی آدمیان محقق سازد مصداقی از "فریضه عادلانه" خواهد بود. همچنین علمی مانند، روانشناسی، جامعه شناسی، مدیریت و... اگر در پی تحولی توحیدی در خلق و خوی فرد و جامعه برآیند مصداق روشنی از "سنه قائمه" خواهند شد.

۷- بدین روی، اگر علم بتواند بنحو شایسته در اندیشه، خلق و خوی و رفتار آدمی تجلی کند و نگرش توحیدی را در انسان تثبیت نماید، از آنجا که این نگرش همواره همراه آدمی می ماند، چنین علمی در قیامت هم به کار انسان خواهد آمد و بدین صورت علم حقیقی برای انسان محقق خواهد شد، چرا که تا ابد به همراه آدمی ماندگار است.

و این گونه بود که در تاریخ تمدن اسلامی، حتی پزشکان، وقتی از تاثیر و تاثرات دواها بر بدن انسان سخن می گفتند، مکرر نگرش توحیدی را در ضمن مباحث و یا درمان خود، وارد می کردند. و با این سبک، علوم خویش را نه تنها برای تامین سلامت بدن بکار می گرفتند، بلکه به "آیه محکمه" تبدیل می نمودند. "این دوا را این گونه مصرف کن، تا به اذن الله این مرض مرتفع گردد" (جرجانی، ۱۳۸۴، ۶۷)

توجهی آگاهانه به تولید علم اسلامی

قبل از هر چیزی باید بدانیم که اندیش مندان، علوم را با توجه به اجتهاد عقلی خویش تولید کرده و به دست آورده اند و نباید کوششی را که آن ها صورت داده اند به طور کلی قبول یا نفی کنیم. چرا که در اجتهاد، امکان صحیح و یا غلط شدن نتیجه وجود دارد. ولی به هر حال تقلید هم به هیچ وجه جایز نیست. در هیچ علمی تقلید و تعبد جایز نیست. به محض این که ما در علمی تقلید کردیم و مطالب آن را به عنوان مسلمات پذیرفتیم، به اصطلاح منطق، کار ما به جدل- که مبتنی بر مسلمات و مشهورات است- ختم می شود. و آن دیگر علم نیست و از عنوان علمی خارج می شود. اصولا فضای علم، فضای تقلید نیست (رحیم پورازغدی، ۱۳۸۵، سخنرانی). و با تسلط چنین تقلیدی امکان تولید نیز سلب می شود. علم، اجتهاد است و ما باید اجتهاد کنیم تا به حقیقت برسیم. ما نباید چشم خودمان را بر این علوم و اجتهادی که دیگران کرده اند ببندیم، ولی مسلم گرفتن مبانی و دستاوردهای آن ها هم معنی ندارد، فقط وحی را باید مسلم گرفت (اعوانی، همان)

باید به نقد علوم موجود همت شود و با نگرشی توحیدی، وحدت طولی علوم در سطوح مختلف پدید آید. اسلام دین توحید است. باید به توحید علمی برسیم، یعنی مراتب و ارتباط علوم را به عنوان یک کلی واحد و جزئی از یک جریان الهی بدانیم و همه چیز را در جای خودش با حفظ مراتب در نظر بگیریم تا بتوانیم نسبت به علوم دیدی الهی پیدا کنیم. تعبد و ترجمه زدگی در علوم انسانی را هم باید رها کنیم تا وارد عرصه نواندیشی علمی و نظریه پردازی دینی شویم (رحیم پور، ۱۳۸۹، سخنرانی) البته این کار هر کسی

نیست. باید فرهیختگان برجسته مسلمان با همتی بلند و تلاشی طاقت فرسا و عزمی جمعی به انجام آن اقدام نمایند. در علوم، هیچ کاری ناگهانی نه، می‌شود و نه، باید انجام داد، اما؛ اعتماد به نفس، بی باکی، حضور و جهت گیری انقلابی، عزم و اراده برای تحقق نهضتی نو در علم و تولید علوم انسانی و اسلامی ضروری است (رحیم پور ازغدی، ۱۳۸۹، سخنرانی)

محور دوم: مدیریت دانش^{۱۱}

۱- چستی مدیریت دانش

در زبان فارسی تاکنون برابر Knowledge Management واژه مدیریت دانش را به کار برده اند، در حالی که بین واژه Knowledge و Science تفاوت فراوانی وجود دارد، آن، به تمامی آگاهی های بشر به طور کلی گفته می شود و این، به فرایند خاصی از دانایی های ساخت یافته تجربی اطلاق می گردد.

در موارد فراوانی مدیریت دانش را به معنای مدیریت دانش سازمانی به کار می برند. دانش در این جا به معنای درک واقع، کشف حقایق و فهم انسان از هستی است که مشتمل بر مسایل خاص حول محور و موضوعی مشخص است. و همان گونه که، منظور از مدیریت دانش، صرفا دانش سازمانی نیست، به عنوان معادلی برای یک واژه بیگانه نیز، برگزیده نشده است. در این اثر، مدیریت دانش به معنای وسیع و گسترده آن که همه دانسته های انسان را در برگیرد مورد نظر نیست. بلکه مدیریت دانش، به معنای خاص که با قوانین شناخته شده سروکار دارند، یعنی رشته های علمی (Discipline) که مجموعه ای از گزاره ها با تنظیم و ترکیب خاصی، آن را به وجود می آورند و از یک نظام منسجم معرفتی و ساختاری نظام یافته برخوردارند. مورد توجه است. بنابراین؛ دانش، به معنای یک رشته دانشی و مجموعه ای از گزاره های معرفتی است که نظام معنایی منسجمی دارد. و از ساختاری معنایی و سلسله مراتبی برخوردار است. آن هم در حوزه مخصوص به علوم اسلامی.

۲- ضرورت مدیریت دانش

چیزی که برای همیشه پا بر جا می ماند نوشته هایی است که انسان از خود می گذارد. از سنگ نوشته ها تا الواح گلین و صدها و هزارها متن و سند تاریخی (که پس از عبور قرن های دراز همچنان پایدار مانده اند) گرفته، تا آموزه هایی که نسل بشر از خود بر جای می گذارد و همواره بر انبوه عظیم دانایی های گذشتگان اضافه می کند. از این رو باید گفت: دانش مدون توقف نمی شناسد. همواره، هر روز و هر ساعت هزاران کتاب، مجله، روزنامه و نشریه به شکل های گوناگون و به زبانها و عرصه های مختلف منتشر می شود و کوه استوار دانش هر آن عظمت بیشتری پیدا می کند.^{۱۲}

اگر در گذشته تصور این بود که جمعیت زیاد، نیروی ملی است، امروز این مسلم شده است که دانش و اطلاعات موجب تقویت نیروی جامعه شده و دانایی توانایی است (ابرامی، ۱۳۷۹، ۶۱).

^{۱۲} برخی از آمار کتب، مجلات و متون آموزشی و مرجع را بنگرید. اطلاعات و ارتباطات جهانی، پروفیسور حمید مولانا، ترجمه اسدالله آزاد و دیگران، نشر کتابدار، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵ - ۱۱۲.

آمار منتشر شده به صورت غیر رسمی از دنیا نشان می دهد که امروزه در هر دقیقه یک اثر علمی تولد و آرایه می شود. مثلاً در اواخر دهه ۱۹۷۰، تقریباً دو هزار و هفتصد مجله علمی رسمی در ایالات متحده منتشر شده است. این تعداد به طور متوسط سالانه دو تا سه درصد رشد داشته و جالب توجه این است که تقریباً نیمی از مجله های منتشر شده در ایالات متحده، در مورد علوم انسانی و علوم اجتماعی است و بقیه به علوم طبیعی و فنی مربوط بوده است. (مولانا، ۱۳۸۴، ۱۲۱)

اگر این نوشته های روزافزون به درستی مدیریت نشود، انبوهی درهم و نابسامان از مطالب علمی و غیر علمی پدید خواهد آمد. آنچه بر مجموعه دانش موجود افزوده می شود، سطح آن را به صورت پراکنده و نامنظم می پوشاند، بی آنکه در بالا بردن بنای رفیع دانش سهمی ایفا نماید و آن کس که بخواهد مرزهای دانش را بگستراند و رابطه میان دستاوردهای بشری و آموزه های وحیانی را کشف کند، ناگزیر است با تمام نوشته هایی که پیش از آن در زمینه پژوهش وی، نشر یافته آشنا شود و این آشنایی ممکن نیست مگر به یاری شیوه هایی علمی و نظام مند با بهره گیری از علم اطلاعات و ابزارهای نوین.

۳- رشد نیافتگی مدیریت در بعد جهانی

در سطح جهانی، تحقیق در مورد جریان اطلاعات در دهه های اخیر رشد فوق العاده ای داشته است، اما در مورد میزان رشد در خود اطلاعات که منجر به مدیریت و تولید دانش شود موفقیت قابل قبولی حاصل نشده است. ادعای اصلی این تحقیق این است که وضعیت فعلی دانش ها در پروسه مدیریت علوم، به دلیل گرایش بر تجمیع داشته های علمی و تأکید بر کمیت آفرینی و به واسطه کمبود تحقیقات زیرساختی و فعالیت های اصولی و نظام مند دانش مدار؛ تا حدود زیادی از هم پاشیده است. برای مدیریت دانش های بشری هیچ بررسی در مقیاس کامل آن و تغییر رویه ای صورت نگرفته است. به رغم این کمبودها، ناگفته پیداست که امروزه نسبت به دهه قبل، ارائه اطلاعات در جریان کلی و کمی در بهترین وضعیت قرار دارد. ولی برای مدیریت دانش، با آنچه حقیقتاً باید به سمتش حرکت کنیم فاصله زیادی داریم و همچنان در نظر و عمل، کند حرکت کرده ایم.

به خصوص در علوم انسانی - اسلامی کم کاری های زیادی داشته ایم که باید در جهت جبران آن گام برداریم. باید اعتراف کرد که با چالش های مهمی در مرحله نظر و عمل مواجهیم. برای چرخش درست این پروسه به سمت مطلوب، اموری باید به صورت جدی مورد بررسی و اقدام قرار گیرد که اصلاح نگرش ها، راهبردها و راهکارها در تحقق این امر بسیار حیاتی است.

از این رو نگرش ها و جهت گیری های نو برای مدیریت اطلاعات و خروج از جریان صرف در اطلاعات، و تبیین سیاست های بین المللی مدیریت دانش های اسلامی و جز آن، باید مد نظر قرار گیرد. اموری از قبیل: عدم توازن در تحقیقات مربوط به دانش های اسلامی متداول؛ محورهای پژوهشی مورد نیاز جامعه جهانی در بعد انسانی - اسلامی؛ چالش های توسعه انسانی بر اساس نظریه های غربی (صنعتی گرایی) در اقتصاد، دین زدایی (سکولاریزاسیون) در اندیشه، شخصیت و ارتباطات؛ توسعه دیدگاه شهروند جهانی؛ یکپارچگی در فرهنگ جهانی و ... از چالش های مهمی است که در سه فرایند (نگرش ها، راهبردها و راهکارها) باید مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد.

در همه مراحل راه درست آن است که به دنبال اعتلای انسان و احترام و عزت در گفتگوی با او باشیم، که در حقیقت گفتگویی است که حرکات انقلاب های کنونی در جهان نیز آن را می طلبد.^{۱۳}

۴- مدیریت دانش و تکنولوژی

انسان آنچنان تمدن پیچیده ای برای خود ساخته که ناگزیر به مکانیزه کردن دانش مدون خود شده و خاصه، حافظه محدود او وی را به ناچار به این راه می کشاند. (ابرامی، همان، ۹۸) با فزاینده شدن حجم دانش هر دم دریای دانش و پژوهش پهناورتر می شود. از این رو؛ چاره ای جز مدد گرفتن از تکنولوژی جدید نیست، فناوری جدید خود تحولاتی به بار آورده که آنرا انقلاب اطلاعات^{۱۴} و یا انفجار اطلاعات خوانده اند. این انقلاب تکنیکی، پیشرفت های وسیعی را به وجود آورده که انسان در گردآوری، نگهداری، بازیابی و اشاعه اطلاعات به آنها دست یافته است. تکنولوژی نوین برای نگهداری و اشاعه اطلاعات دید و شنودی امکانات بسیاری پدیدار ساخته و شبکه های جهانی و رایانه ها و صنعت پیشرونده ی موبایل و دیگر ابزارهای الکترونیکی و سایبری، میدان این کار را بی حد و مرز گسترده اند.

در بستر فناوری، حجم مطالب تا مقیاس چندین هزار برابر کوچک تر در سیستم های فنی جدید جای می گیرند، و جمع آوری، نگهداری و تجمیع دانش ها در حد وسیعی تحقق می یابد اما کوچک کردن حجم و تجمیع انبوه دانش مدون در فضایی کم، هر چند با قابلیت های بسیار مؤثر و کار آمدی همراه باشند، کافی نیست. بلکه نگهداری این حجم گسترده، وقتی اهمیت می یابد که استفاده و بهره گیری از آن مورد نظر باشد^{۱۵} و کاربر آنچه را میخواهد بدرستی (نه کم و نه زیاد) همان را دریافت کند. (حری، ۱۳۸۷، نشست علمی)

اکنون دیگر قالب ها و شیوه های ساده پیشین کارآمد نیست و لازم می نماید دانش های مدون با بهره گیری از امکانات در اختیار در فرم دانشی چند وجهی که چند نظام مدیریتی (مدیریت دانش، مدیریت فنی و...) را با خود همراه کرده است، مدیریت شود و به نوعی از دستاوردهای علم "مدیریت اطلاعات و دانش شناسی" استفاده شود.

۵- ضرورت بازنگری در شیوه های مدیریت دانش

امروزه، تغییر با سرعت روز افزونی در حال تحقق است. دنیایی که در آن زندگی می کنیم سریعاً در حال تغییر است. بسیاری از مهارت های اساسی و قسمت اعظم دانشی که مردم در مدارس، دانشکده ها، دانشگاه ها، حوزه ها و مراکز علمی کسب می کنند نیز سریعاً قدیمی می شود. این امر خصوصاً در حوزه های متعدد علوم مهندسی و فن آوری مصداق های روشن تری دارد. برای مقابله با این ویژگی (کهنگی پذیری) مهارت ها و بسیاری از دانایی ها، باید «آنچه می دانیم» و «شیوه انجام امور» را، مدام بازنگری کنیم و

^{۱۳} خوشبختانه مواجهیم با بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و همچنین تحولات جهانی در مقابله با قدرت سرمایه داری غربی = بیداری جهان مانند وال استریت. ۲۰۱۱م.

^{۱۴} Information Revolution

^{۱۵} این مطلب را آقای دکتر هوشنگ ابرامی به نقل از دکتر وناور بوش بیان کرده که ما با حذف و اضافات آوردیم، شناختی از دانش شناسی، هوشنگ ابرامی، نشر کتابدار، تهران، ۱۳۷۹، ص ۹۷.

در صورت لازم، دانش و مهارت های فردی خود را بروز دهیم و یکی از راههای روشن در انجام این امر، کسب مهارت های روزآمد و تداوم فعالیت های توسعه حرفه ای است.

بدون شک، مهارت ها، اطلاعات و دانشی که امروزه در دست داریم و از آن استفاده می کنیم، الزاماً با آنچه که احتمالاً در بیست سال، ده سال و حتی پنج سال آینده انجام می دهیم، تناسب کاملی ندارد. برای مقابله با این تحولات سریع، لازم است به مدیریت علوم و تقویت سامانه آموزشی و پژوهشی سنتی خود همراه با زیرساختی مناسب بپردازیم تا از طریق آن از قدیمی شدن اطلاعات، مهارت ها و دانش خود پیشگیری کرده و به ارتقا و توسعه آنها دست پیدا کنیم. بدون تردید استفاده از ابزار فن آوران و منابع فراگیری مانند پایگاههای سازمان یافتهی اطلاعات علمی^{۱۶}، لوح فشرده، شبکه های اینترنت و اینترنت، نقش کارآمد و مؤثری برای تحقق این هدف بر عهده دارند، با این که آنها نیز به سرعت دستخوش تغییر و تحولند.

هر چند، دستیابی به ابزار لازم فن آوران و ایجاد زیر ساخت های مناسب اجتماعی - فرهنگی - برای بسیاری از کاربران بالقوه این منابع، مشکلات مهمی هم خواهند بود، ولی حمایت از این نوع تفکر از سوی تصمیم گیران امر فرهنگ، ساز و کاری مهم برای غلبه بر این مشکلات فراهم می کند. در عین حال، تهیه شبکه های حمایتی انسانی و فنی مناسب باید تا حد چشمگیری مورد توجه واقع شود.

۶- تأثیر فن آوری بر مدیریت دانش در جوامع اسلامی

از انقلاب اسلامی ایران تا حرکت مسلمانان در سراسر دنیا، از انتفاضه فلسطین تا یکپارچگی اجتماعی فرهنگی و آگاهی در کشورهای مانند: ازبکستان، تاجیکستان، بوسنی و بیداری ۲۰۱۱ میلادی در کشورهای عربی مسلمان، احزاب و مجامع اسلامی از زیر ساخت های غنی و سنتی مساجد، مدرسه های مذهبی، هیأت ها و غیره، همراه با زیرساخت های فن آوران پیشرفته، مانند ارتباطات از راه دور، نوارها، نامبرها (فاکس) ماهواره ها و فن آوری های مرتبط اینترنت و اینترنت، برای شکل دهی نظام های یک پارچه جدید شبکه سازی، جهت رسیدن به اهداف اجتماعی و فرهنگی خود استفاده کرده اند.

در قلمروهای فرهنگی و آموزشی، ایجاد و کاربرد شبکه های ارتباطات، تأثیر عمیقی بر جامعه و دانش در جوامع اسلامی داشته و دارد. اکنون؛ به طور سنتی، قدرت عالمان مذهبی در جوامع اسلامی و نقش آنها به مانند گنجینه دانش و پایگاه های داده های دینی، به عنوان افرادی که می توانند به صورت آنی با نقل قرآن و حدیث به ارائه دانش دینی، پیشنهاد، انتقاد و عقاید کلاسیک بپردازند گسترش یافته است و فن آوری ها و شبکه های نوین اطلاعاتی موجب تولید ارزش افزوده دانش ها، از جمله دانش های انسانی - اسلامی و دینی نسبت به محیط سنتی گردیده و تغییر رویکردها و پارادایم ها را در پی داشته است.

قابل توجه آن که تمامی رویکردهای جدید به سمت تولید دانش و نظام های دانش مدارانه است. قابلیت ایجاد دسترسی های گسترده و سازمان یافته، برای مخاطبان (هر کس و هر جا) یکی از الزامات و از فراورده های فن آوری و نظام های اطلاعاتی نوین است.

^{۱۶} به عنوان نمونه پایگاه تخصصی اصول فقه را بنگرید-----> پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی

با استفاده گسترده و نامتمرکز از این ابزارها و شبکه هاست که قابلیت عظیم آنها برای جوامع و فرهنگ های اسلامی قابل استفاده می شود. استفاده از رایانه های شخصی، بیشتر در کشورهای مسلمان مثل مالزی، پاکستان، مصر و ایران و جز آن گسترش یافته است. منابع اصلی اسلامی در قالب دیسک و CD و DVD و یا تحت وب و شبکه در دسترس قرار دارند و توسط دانش پژوهان و متخصصان فرهنگ و معارف اسلامی مورد مطالعه و نقد قرار می گیرند. که در غیر این صورت دسترسی به این منابع با مشکلات زیادی همراه بود. انبوهی از پایگاه داده ها در مورد قرآن و حدیث و احکام و دانش های مختلف اسلامی، این متون را در خود جای داده و در دسترس قرار می دهند. با این حال، این پایگاه ها می توانند مانند علمایی باشند که به سرعت استدلال کرده و دانش و تخصص مورد نیاز برای تحلیل و تفسیر متون اسلامی را برای کاربران فراهم آورند.

این پایگاهها برای کاربران غیر متخصص، این امکان را به وجود نمی آورند که به صورت مستقل استدلال کرده و فهم و یا تفسیر جدیدی از متون بنیادی به دست آورند. به همین خاطر، افراد باید بر اساس ملاک های تعیین شده در دوره های کلاسیک گذشته توسط اساتید و دانشمندان اسلامی عمل کنند. همان طور که ممکن است شبکه ای از ترکیب بانک های داده ای سنتی و پیشرفته با استفاده از نظامهای معنایی و نمایانگر ساختار دانش^{۱۷} به پژوهشگران جوان و اساتید محقق و علمای علاقه مند کمک کنند تا به آنچه که علمای قدیمی سالهای سال، انجام داده اند - دست یابند.

نظام های معنایی^{۱۸} که در مدیریت دانش اثر گذارند در صورتی که با نظامهای هوشمند فن آورانه ترکیب شوند به همراه اشیای مختلف دیجیتالی شده از جمله صدا و تصویر و متنهایی که نمایشگر اصل آثارند؛ قطعاً توسط متخصصان و دانشمندانی که روی مسایل علمی کار ویژه می کنند، حقوقدانانی که از دیدگاه اسلامی دفاع می کنند، پزشکیانی که با پرسشهای اخلاقی حرفه ای روبرو می شوند و اندیش ورانی که به دنبال حمایت عمومی از طرحهای علمی خود هستند، مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

به طور حتم، دور یا نزدیک، سرانجام (همانطور که امروز رایانه ها نشان سواد اطلاعاتی انسان به شمار آمده است و شبکههای متنوع جزو ابزارهای ضروری هر حرکت علمی و اجتماعی قرار گرفته است) پایگاه های عمومی و تخصصی اطلاعات و سامانه های هوشمند مبتنی بر نظامهای معنایی منسجم (مانند اصطلاح نامهها)^{۱۹} و تحت شبکه ای وب، راه خود را به جای جای فضاهای علمی و آموزشی باز خواهند کرد. و اینجاست که تأثیر عمیق مدیریت دانش و گسترش آن در شبکههای فن آوری اطلاعات و ارتباطات نوین در تربیت نسل آگاه و مستعد و منتقد آینده مسلمان به صورت جدی احساس می شود. به خاطر تنوع جغرافیایی امت اسلامی، کاربردهای بین المللی چنین شبکه ای. این است که تعداد زیادی از کشورهای اسلامی را تحت نظام واحد یکپارچه اطلاعاتی واقعاً

^{۱۷} اصطلاح نامه (Thesaurus) و هستی شناسی (ontology) پیشرفته ترین نظام های معنایی و سازماندهی دانش اند که بر پایه مفاهیم برای نمایش پیچیده موضوعی بنا شده و به مدیریت دانش می انجامند. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: رویکرد هستی شناسانه در طراحی و توسعه سازماندهی دانش، سید مهدی طاهری و دیگران، (مقاله)، کتاب ماه کلیات، سال ۱۶، شماره ۲، (۱۳۹۱)، ص ۴۰.

^{۱۸} درباره نظام های معنایی رجوع کنید به: کتاب ماه کلیات، سال ۱۶، شماره ۲، (۱۳۹۱)، ص ۴۰ مقاله رویکرد هستی شناسانه در طراحی و توسعه سازماندهی دانش، سید مهدی طاهری و دیگران..

^{۱۹} برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: مجموعه مقالات همایش ملی اصطلاح نامه و کاربردهای آن در محیط الکترونیکی، محمدهادی یعقوب نژاد و دیگران، نشر کتابدار، تهران، ۱۳۹۱.

عمیق خواهند کشاند. نکته مهم آن است که نظام های فناورانه بدون کار دقیق و درست انسانی در چینش دانش ها به خصوص دانش های انسانی - اسلامی کارآیی بهینه را نخواهند داشت.

محور سوم : مدیریت علوم اسلامی

1- اهمیت مدیریت علوم اسلامی

تردیدی نیست که علم در رأس فضیلت ها^{۲۰} و ریشه همه خوبی ها و غایت همه کمالات است (آمدی، ۱۳۶۶، ۴۱ و ۴۷) و علم (به معنای عام) مهم ترین قدرت است و دانایی توانایی است (همان)^{۲۱}، اما از آنجا که علم دارای مراتب و درجاتی است که قله آن، علم الهی است و بهترین علم، آن است که به شناخت انسان و اصلاح او بیانجامد (همان، ۲۳۲، ۴۶، ۴۱) از این رو جایگاه علوم انسانی - اسلامی دارای اهمیت ویژه است. چون روح همه علوم است. زیرا نقش اصلی هر علمی، ارضای خواست های حقیقت جوی انسان در محدوده مسایل همان علم است، ولی همه علوم می توانند به شیوه ای توأمان در شوؤن مادی و معنوی انسان، مؤثر افتند و هدف های با واسطه دیگری را نیز بر عهده گیرند. به بیانی دیگر: علوم طبیعی، نقش مهمی در بهزیستی مادی انسان، ایفا می کنند و علوم ریاضی، وسیله ای برای پیشرفت و تکامل آنها به شمار می روند (مصباح، همان، ۱۰۳) و اصولاً علوم پایه، اساس علوم بشراند، پشتوانه و سرمایه مهم علوم به شمار می روند ولی علوم انسانی - اسلامی، روح علوم اند با کمک این علوم، علوم دیگر جهت پیدا کرده و در جنبه های معنوی انسان نیز نقش مهم و ارزشمندی ایفا می کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، سخنرانی)^{۲۲} و می توانند نگرش توحیدی را در اندیشه، خلق و خوی و رفتار انسان متجلی سازند. و در صورتی که علوم طبیعی، علوم ریاضی و هر علم دیگری بانگرش توحیدی و الهی، تولید و یا مطالعه شوند، آدمی را به کمال و سعادت رهنمون بوده و برای شکوفائی تمدنی درخور انسان موفق خواهند بود

بنابراین تحول و مدیریت در حوزه علوم اسلامی - انسانی نسبت به سایر موضوعات، اصیل تر، تأثیرگذارتر و حیاتی تر است. به همان نسبت، سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازماندهی و مدیریت این دانش ها، حساس تر و مهم تر خواهد بود. استفاده از دانش اطلاعات و ابزارهای فضای مجازی برای این امر و تبدیل آثار کاغذی به نسخه های دیجیتال، ایجاد و گسترش پایگاه های تخصصی علوم انسانی - اسلامی و وارد شدن درست و مدیریت شده ای این محصولات، به محیط های نرم و گسترش پذیر سایبری، در مدیریت، ساماندهی، تولید و انتشار آثار علمی و اشاعه فرهنگ اسلامی مؤثر بوده و به ترویج فرهنگ دینی و گسترش این آثار در فضای فیزیکی و مجازی کمک خواهد کرد.

^{۲۰} تصنیف غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد آمدی، تحقیق: مصطفی درایتی، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۶، قم، درباره علم روایاتی را جمع آورده است مانند: ص ۴۱، ۴۷ و ۲۳۲.

^{۲۱} همان، ص ۴۷ (العلماء حکام علی الناس و العلم حاکم).

^{۲۲} بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان دانشگاهی کرمانشاه، مهر ۱۳۹۰.

اگر نتوانیم تحولات این حوزه های معرفتی را در محیط های مجازی و فیزیکی به موازات هم دنبال نموده و به درستی سازماندهی و مدیریت کنیم، قطعاً ضرر کرده ایم. این گونه است که باید نسخه سنتی و دیجیتالی آثار علمی و فرهنگی را به موازات هم سازماندهی، مدیریت و توزیع کنیم. آنچه تاکنون به خصوص در کشور ما - و به ویژه در علوم اسلامی - انسانی، هم انجام داده ایم، بیشتر انباشته کردن آثار و مواد الکترونیکی این علوم در یک سیستم بوده است. و تلمبار کردن اطلاعات در یک سامانه نیمه هوشمند - سریع و دقیق - خود مشکل آفرین شده است. در حالی که باید محتوای آنها سازماندهی و بر اساس اصولی از قبل طراحی شده مدیریت و ارائه شود.

۲- سازماندهی علوم اسلامی ضرورتی انکار ناپذیر

وقتی استفاده از یک اثر علمی بدون تنظیم مطالب، عنوان گذاری درست و فهرست تفصیلی آن، مشکل و گاه ناممکن می شود - به طور قطع ورود به یک علم، بدون چینش منطقی آن، به غایت دشوار خواهد بود، به خصوص اگر بخواهیم آن را در بسترهای فن آوری جدید با قابلیت سرعت، دقت و جامعیت و مانعیت دسترس پذیر کنیم. گواه این ادعا آن است که هر علمی، در مقام واقع و خارج به نوعی تنظیم یافته عرضه شده است و در حقیقت از یک نظامی دانش مدار بهره مند است تا جویندگان و پژوهندگان، آن علم را از سایر علوم تمییز داده و در نحوه ورود به آن، متحیر و سردرگم نمانند.

به همین دلیل در طول تاریخ علم، متولیان علوم، همواره سعی کرده اند، آن را بر اساس یک نظام دانشی معنی دار و تقسیم بندی منطقی ارائه دهند. به عنوان مثال ارسطو پس از سقراط و افلاطون، فلسفه را اسم عامی برای همه علوم حقیقی تلقی کرد و به دو دسته کلی علوم نظری و علوم عملی تقسیم نمود، علوم نظری شامل طبیعیات، ریاضیات و الهیات بود و طبیعیات شامل رشته های کیهان شناسی، معدن شناسی، گیاه شناسی و حیوان شناسی و ریاضیات به حساب و هندسه و هیأت و موسیقی، انشعاب یافت و الهیات به دو بخش مابعد الطبیعه (یا مباحث کلی وجود) و خدانشناسی، و علوم عملی به اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم شد. (مصباح، همان، ۲۷)

و فلاسفه الهی، فلسفه را به الهیات به معنی اعم شامل مباحث وجود و تقسیمات آن و ماهیت و مسایل جانبی آن؛ و الهیات به معنی الاخص شامل مباحث مربوط به اثبات ذات، صفات و افعال خدا تقسیم کرده اند. منطقی ها، مسایل منطقی را به دو بخش مهم تصورات و تصدیقات، و اصول فقه که مقدمه فقه به شمار می آید به اصول لفظیه و اصول عملیه و ... تقسیم شده است چه اینکه برای فقه به عنوان اساس علوم انسانی اسلامی نیز تقسیم بندی های متفاوت و احیاناً متداخلی انجام داده اند مانند: ۱- تقسیم بندی سلار بن عبد العزیز دیلمی (متوفای ۴۴۸ هـ) در کتاب مراسم (دیلمی، ۱۴۱۴، ۸۲) که فقه را به دو بخش عمده عبادات و معاملات تقسیم نموده و بخش معاملات را نیز به عقود و احکام منقسم کرده است. او اولین فقیه شیعی است که طرح مدونی برای طبقه بندی فقه ارائه کرده است.

۲ - تقسیم بندی ابو الصلاح حلبی، (۴۴۷ - ۳۴۷ هـ ق) (حلبی، بی تا، ۱۰۹)

۳ - تقسیم بندی قاضی عبدالله بن براج طرابلسی (۴۸۱ - ۴۰۰ ق) (قاضی عبدالله، ۱۴۰۴، ۱۹)

۴ - تقسیم بندی محقق حلی (۶۷۶ - ۶۰۲ هـ ق) (محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ۱)

۵ - تقسیم بندی شهید اول (۷۸۶ - ۷۲۴) (شهید اول، ۱۳۵۵، ج ۱، ۳۷-۳۹)

تقسیم بندی سید محمد جواد حسینی عاملی، صاحب مفتاح الکرامه (متوفای ۱۲۲۶ هـ ق) (حسینی عاملی، ۱۴۱۸، ج ۸، ۳)

۷ - تقسیم بندی فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۰ هـ ق) (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ج ۱، ۳۶)

۸ - تقسیم بندی شهید محمدباقر صدر (۱۹۳۱ - ۱۹۷۹ م) (صدر، ۱۴۲۴، ج ۱، ۱۳۴-۱۳۲)

۹ - تقسیم بندی آیت الله علی مشکینی (۱۳۰۰ - ۱۳۸۶) (مشکینی، ۱۴۱۸، ۱۴-۱۳)

۱۱ - تقسیم در فقه شافعی (شافعی، محمد بن ادريس، ۱۵۰ - ۲۰۴ ق) (محمصانی، ۱۹۷۵ م، ۲۰)

همانگونه که در علوم دیگر نیز تقسیم بندی‌هایی ارائه داده‌اند، و بزرگان علم و دین برای چینش منطقی علوم به طبقه بندی علوم همت کرده اند نخست ارسطو در قرن ۴ قبل از میلاد و آنگاه اندیش مندان مسلمان و پس از آنان اندیش مندان غربی تلاش های قابل تقدیری نموده اند، (فارابی، ۱۳۴۸، ۱۳۳) تا آن که از قرن شانزدهم به خصوص در قرن های اخیر درباره چینش کتاب خانه ها فعالیت های خاصی صورت گرفته و به پیدایش طبقه بندی و رده بندی گسترده کتابخانه ای انجامیده است. (ابرامی، ۱۳۷۹، ۱۴۶-۱۵۵) برای تنظیم کتاب و کتابخانه که نماد اصلی دانش مدون و مهم ترین سرمایه فرهنگی در جوامع مختلف به شمار می آید اقدامات خوبی شده است. در مرور تاریخی کتابخانه‌ها، ابتدا به کتابخانه های سنتی برمی خوریم که منابع به صورت چاپی و دست نوشته در آن موجود بوده است. در دوره بعد کتابخانه های خودکار مطرح شدند و پس از آن کتابخانه‌های الکترونیکی بودند. کتابخانه دیجیتالی بعد از کتابخانه الکترونیکی به وجود آمد که در این فرمت کلیه منابع چاپی به طور کامل به صورت دیجیتالی تبدیل می شوند و هر نوع از این کتابخانه ها از یک نظم و چینش متناسبی بهره‌مندند. (شبکه اینترنتی آفتاب، ۱۳۹۲/۶/۳؛ یعقوب نژاد، ۱۳۸۸، مصاحبه)

با توجه به این که کتاب و کتابخانه جزو سرمایه های اصلی علمی و تمدنی در هر جامعه از جمله جوامع اسلامی است می بایست از تکنولوژی های مؤثر مانند ابزار فضای مجازی در تنظیم، نگهداری، ترویج و گسترش آن استفاده کرد. برای به کارگیری این تکنولوژی قواعد و اصولی وجود دارد با استفاده از آن و اصلاح، تکمیل و یا ایجاد عناصر لازم می توانیم از این مسیر عبور کنیم. یکی از پایه های لازم و اساسی در کتابخانه ها (سنتی و دیجیتالی) سازماندهی آنهاست. همان طور که؛ تدوین اصطلاح نامه ها (تزاروس) در ساماندهی دانش مدون انسانی به عنوان یک زیرساخت مورد توجه است.^{۳۳} سازماندهی دانش مکتوب به خصوص در وجه دیجیتالی آن، تنها از طریق زبان‌های کنترل شده مانند: تزاروس (اصطلاح نامه) ممکن و مطلوب است که کارشناسان و متخصصان موضوعی، با مراجعه به فایل های الکترونیکی منابع مدون، موضوعات مختلف را شناسایی نموده و با استفاده از تزاروس ها -

^{۳۳} برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: رویکردهای دانش مدار در تدوین اصطلاح نامه، سید مهدی طاهری و دیگران، (مقاله) کتاب ماه کلیات، ۱۷۱، ص ۸.

(۱) اصطلاحنامه ها توسط گروه های علمی تدوین می شود و اصولا به صورت فردی، نه قابل انجام است و نه قابل قبول

اصطلاح و موضوع تأیید شده را به متن تخصیص می دهند. و از نگاه یک کاربر و محقق، تمامی منابع و جایگاه موضوع و یا موضوعات آنها را در فرمی قابل استفاده ارائه می کنند. با این اقدام، یک بار متن کتب و دانش مدون موضوع نگاری و ایندکس موضوعی شده و به صورت تمام متن سازماندهی و قابل استفاده می شود. این عمل یکی از پایه های اصلی برای تحقق مدیریت علوم اسلامی به شمار می آید، و جز خود ما کسی قادر به انجام آن نیست.

۳- ضرورت نشر الکترونیک

امروزه در دنیا هر کتابی که چاپ می شود فایل الکترونیکی آن در لوح فشرده نیز همراه کتاب عرضه می شود. این عمل در جوامع پیش رونده یک فرهنگ شده است. اما ما هنوز در این موضوع تردید داریم چون خیال می کنیم این اقدام موجب می شود نسخه های چاپی کتاب ها فروش نرود. بنابراین در کشور ما هنوز فرهنگ و بینش دیجیتالی شدن دانش مدون شکل نگرفته است تا زمانی

که نگاه ما به کتاب به عنوان یک تجارت و درآمد باشد - نه به عنوان سرمایه ملی و فرهنگی - این مشکل وجود خواهد داشت. و این یک مشکل زیربنایی و ساختاری است.

جمع بندی و نتیجه بحث

از آنجا که ماهیت و هویت هر علمی از جمله علوم اسلامی تحت تأثیر مجموعه ای از گزاره ها و عناصر دانشی و معرفتی است که در قالب اصطلاحات تبلور یافته و ابراز می شوند، شناسایی، تنظیم و طبقه بندی این اصطلاحات و ترسیم درختواره علوم اسلامی^{۲۴}، گامی اساسی و اقدامی زیرساختی در مدیریت داشته های علمی این رشته ها به شمار می آید، همان طور که سلف صالح ما به فراخور نیازهای زمان خویش نیز تلاشهایی برای سازماندهی مصطلحات علوم انجام داده اند.

در صورتی که علوم اسلامی مبتنی بر درختواره مزبور سازماندهی شود و مدارک و متون مختلف و متنوع به صورت موضوعی، به این ساختار دانش مدار مرتبط گردد. حرکتی اصولی در مدیریت این علوم حادث شده و امکان آگاهی سریع از مباحث موجود و تسلط نسبی بر داشته های علمی فراهم خواهد شد و راه را برای افق های جدید و تولید دانش در این حوزه های معرفتی خواهد گشود، زیرا کاربرد و گسترش نظام های دانش یعنی اصطلاح نامه ها، ارتباط مستقیم با پیشرفت های علمی جامعه دارد.

اندیشوران تولید در عرصه علوم اسلامی و انسانی، این انگاره را مسلم گرفته و معتقدند باید بر پایه نظریه ها و مبانی دینی و اسلامی، این علوم پدید آمده و گسترش یابد^{۲۵} ولی از آنجا که تا تحقق آن، نقطه های آغازین و مباحث زیرساختی مهمی وجود دارد که حتما

^{۲۴} اصطلاح نامه ها (Thsaurus) این وظیفه را بر عهده دارند، اصطلاح نامه های تخصصی علوم اسلامی در رشته های علوم قرآنی، فلسفه اسلامی، اصول فقه، کلام اسلامی، منطق، اخلاق، علوم حدیث، فقه، روایان حدیث، حقوق، کلام جدید و ... را بنگرید. رک: www.Islamicdoc.org؛ محمد هادی یعقوب نژاد و دیگران،

بوستان کتاب قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی؛ اصطلاح نامه اصفاء، فریبرز خسروی و دیگران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴؛ کتابشناسی اصطلاح نامه ها، اشرف السادات فولادی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران، ۱۳۷۲.

^{۲۵} اولین کنگره بین المللی علوم انسانی - اسلامی که در ۹۱/۲/۳۱ برگزار شد به دنبال تحقق همین امر بود که هم چنان ادامه دارد.

در قالب یک طرح علمی و مطالعاتی استقرار شده و مورد تحقیق و تدقیق قرار خواهد گرفت؛^{۲۶} می بایست به نظام سازماندهی و مدیریت دانش اسلامی به عنوان نیازی بینا رشته ای^{۲۷} از همان آغاز توجه خاص نمایند تا ضمن آگاهی از وضعیت به هنگام دانش در این حوزه‌ها؛ وقوف مجموعی بر حوزه‌های مرتبط و تسلط نسبی برداشته‌های علمی، زمینه‌ی خلاقیت، نوآوری و ارائه نظریات بدیع و بازساخت نو از کهنه را بدست دهند و تعالی و تحول علوم و تولید علم در علوم اسلامی را سرعت بخشند و بدین سان به مدیریت درست این علوم دست یازند

با استفاده از سیستم نظام یافته و درختی اصطلاح نامه های علوم اسلامی، و ارتقای آن با منطق هستی شناسی واژگانی، و به کارگیری فن آوری های نوین و ایجاد سامانه های هوشمند و تحت وب و شبکه‌های دیگر؛ همچنین؛ با انتخاب و تنظیم برچسب‌های لازم، برای جای جای متون و یا اشیای دیگر دیجیتالی (صوت، تصویر و...) به صورت موضوعی - نه لفظی؛ ساماندهی و مدیریت محتوای دانش اسلامی ممکن خواهد شد.

بدین گونه؛ ضمن آگاهی از ساختار معنایی و طبقه بندی دانش های اسلامی، منابع و مدارک مرتبط موضوعی را عیناً مرور، مطالعه، بررسی و گزینش نموده و پس از آگاهی از داشته های علمی موجود و دیدگاه های دیگران، با تسلطی نسبی در زمان کوتاه، به ارائه نظر پرداخته و زمینه تولید و ارتقای این علوم فراهم خواهد گشت.^{۲۸}

منابع

آمدی، عبدالواحد، (۱۳۶۶) تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابرامی، هوشنگ (۱۳۷۹)، شناختی از دانش شناسی، نشر کتابدار، تهران.

ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالله، (۱۴۰۴)، المهدب، تحقیق به اشراف جعفر سبحانی، قم، جامعه مدرسین.

اعوانی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، ماهیت علوم انسانی در گفت و گو با دکتر اعوانی - مصاحبه - سایت رهبری، گزینه دیگران. ۹۲/۲/۱۲.

امام خمینی، روح الله (۱۳۷۷) شرح چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.

تامسون، جیمز، (۱۳۶۶)، تاریخ اصول کتابداری، ترجمه محمود حقیقی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

جرجانی، سیداسماعیل، (۱۳۸۴) الاغراض الطبییه والمباحث العلاجیه، تصحیح حسن تاجبخش، دانشگاه تهران، تهران.

حاجی خلیفه، کاتب چلبی، (بی تا) کشف الظنون، مصر.

^{۲۶} علی اکبر رشاد، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی - مصاحبه ۹۰/۳/۲۹.

^{۲۷} سازماندهی و مدیریت دانش اسلامی نیازی میان رشته ای است که نویسنده در مقاله ای دیگر آن را بررسی نموده است.

^{۲۸} برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: اصطلاح نامه علوم حدیث، گروهی از محققان مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، بوستان کتاب قم، ۱۳۹۰، (مقدمه).

حسینی عاملی، سید محمد جواد عاملی، (۱۴۱۸)، مفتاح الکرامه، ج ۸، دار التراث.

حکیمی، محمدرضا، (۱۳۷۱) دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حلبی، ابی الصلاح تقی الدین ابن نجم الدین عبدالله، (بی تا) الکافی فی الفقه، قم، بصیرتی.
خامنه‌ای (رهبر معظم انقلاب)، سیدعلی، (۱۳۸۸/۶/۸)، سخنرانی، حسینیه امام خمینی تهران.

خامنه‌ای، علی (رهبر معظم انقلاب) سیدعلی، (۱۳۹۰/۷)، سخنرانی، کرمانشاه.

خسروی، فریبرز و دیگران، (۱۳۷۴)، اصطلاح نامه اصفاء، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

دامپی یر، ویلیام سیسل، (۱۳۷۱)، تاریخ علم، ترجمه عبد الحسین آذرنگ، تهران، سازمان سمت.

دیلمی، سلار بن عبدالعزیز، (۱۴۱۴)، المراسم العلویه فی الاحکام النبویه، قم، چاپ امیر .
رحیم پور ازغدی، حسن، (۱۳۸۵)، اسلام مدرنیته، سخنرانی در دانشگاه تورنتو، نشریه کتاب نقد، شماره ۲۳.

www.bashGah.Htm

رحیم پور ازغدی، حسن، (۱۳۸۹)، علوم انسانی در نظر رحیم پور، پایگاه پاتوق کتاب، (۱۳۸۹)، (۹۲/۲/۱۲)، bookroom.ir

رشاد، علی اکبر (۱۳۹۰) مصاحبه.....

سامی النشار مصری، علی، (۱۹۶۵)، مناهج البحث عند مفکری الاسلام، فصل پنجم، مصر، دار المعارف

سایت رحیم پور ازغدی، حسن، (۱۳۸۹/۱۱/۸)، (۱۳۸۹/۲/۱۱)، www.rahimpour.ir

سایت رهبری، (۱۳۸۹/۶/۱۴)، (۱۳۹۲/۲/۱۲)، www.khamenei.ir

سوزنچی، حسین (۱۳۸۸) معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

شبکه اینترنتی آفتاب، (۱۳۹۲/۶/۳) . www.aftabir.com

شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی عاملی، (۱۳۵۵)، القواعد و الفوائد، ج ۱، قم، مکتبه داوری.

شیخ الاسلام، محمد، (۱۳۵۸)، راهنمای مذهب شافعی، ج ۱، تهران، موسسه انتشارات و نشر دانشگاه تهران.

صدر، محمد باقر، (۱۴۲۴)، الفتاوی الواضحه، ج ۱، قم، دارالنشر.

طاهری عراقی، احمد، (۱۳۷۶)، رده BP اسلام، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

طاهری، سیدمهدی و دیگران، (۱۳۹۱)، کتاب ماه کلیات، سال پانزدهم، شماره دوم.

طباطبایی، سید محمدحسین، (بی تا)، پاورقی‌های اسفار در الحکمه المتعالیه، صدرالدین شیرازی، قم، مصطفوی.

فارابی، ابو نصر محمد، (۱۳۴۸)، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، بنیاد فرهنگی ایران.
فولادی، اشرف السادات، (۱۳۷۲)، کتابشناسی اصطلاح نامه‌ها، ایران، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی.

فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۰۱ق)، مفاتیح الشرایع، ج ۱، قم، مجمع الذخائر الاسلامی.
کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۸۳)، الاصول من الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
محقق حلی، ابو القاسم نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۳ق)، شرایع الاسلام، ج ۱، بیروت، دار الاضواء.
مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، جمعی از محققان، (۱۳۹۰)، اصطلاح نامه علوم حدیث، قم، بوستان کتاب.

مشکینی، علی، (۱۴۱۸)، الفقه المأثور، قم، نشر الهادی.
مصباح، محمدتقی، (۱۳۸۲)، آموزش فلسفه، ج ۱، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۱، قم، صدرا.

مولانا، حمید (۱۳۸۲)، اطلاعات و ارتباطات جهانی، ترجمه اسدالله آزاد و دیگران، تهران، نشر کتابدار.
ویکی پدیا، ۱۳۹۰/۹/۸.

یعقوب نژاد، محمدهادی و دیگران، (۱۳۷۵-۱۳۹۰)، اصطلاح نامه‌های تخصصی علوم اسلامی شامل: اصطلاح نامه علوم قرآنی، فلسفه اسلامی، کلام اسلامی، اخلاق اسلامی، منطق، اصول فقه، علوم حدیث، قم، بوستان کتاب، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی www.islamicdoc.org

یعقوب نژاد، محمدهادی و دیگران، (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات همایش ملی اصطلاح نامه و کاربردهای آن در محیط الکترونیکی، تهران، نشر کتابدار.

یعقوب نژاد، محمدهادی (۱۳۸۸)، مصاحبه. www.islamicdoc.com